**حفظ سرحدهای شمالی عراق**

**فیلیپ پرایس**

**مترجم : عامری، علی محمد**

معاهدهء ترکیه و عراق و پیوستن انگلیس بآن در خاورمیانه بابی جدید گشوده است.از زمان‏ تأسیس اتحادیهء عرب تا بحال این نخستین بار است که یکی از دول مستقل عرب از اتحادیه بریده و ریاست مصر را نادیده گرفته و راهی مستقل برگزیده است.عراق نه تنها با ترکیه که تاکنون بدو بسوء ظن می‏نگریست و او را وارث امپراطوری قدیم عثمانی میدانست،دل یکی کرده بلکه معلوم داشته‏ است که سیاست خارجی عرب تنها بر جدال و نزاع با اسرائیل مبتنی نیست.چون عراق از سمت شمال‏ بمنطقهء خطر نزدیکتر است اصل بی‏طرفی که مطمح نظر نهرو و سرهنگ ناصر است چنگی بدلش‏ نمی‏زند و راهی را که پاکستان انتخاب کرده برتری می‏نهد.

مذاکراتی که در باب معاهده و شرکت ما در آن مجلس عام صورت گرفت،با اوضاع و احوالی‏ که در خاورمیانه حکمفرماست اندکی دور از حقیقت و انصاف می‏نمود اما اشاراتی که طرف مخالف‏ راجع بوحشت اسرائیل ازین معاهده کرد بجا بود.وحشت عراق هم که باعث عقد چنین پیمانی گشته‏ بیجا نیست.اگر اسرائیل میترسد که مبادلهء«یادداشتهائی»بین ترکیه و عراق احیانا امنیت او را بخطر افکند،تضمینی که بموجب معاهدهء سه جانبه از او شده است نباید از یاد ببرد و اگر آنرا وافی‏ نمیداند بافزودن چند مادهء دیگر می‏تواند معاهده را محکم‏تر سازد.

علاوه برین هیچ امری آن اندازه در میان کشورهای عرب ایجاد خشم نمی‏کند که بفهمند برای‏ پیش‏گیری از تعدی و تجاوز،اسرائیل مانع کار و باعث تأخیر نقشهء دفاعی آنان در خاورمیانه‏ شده است.ترکیه و عراق،و از یک نظر حتی پاکستان،جناح راست خط دفاعی اتلنتیک شمالی‏ محسوب میگردند و بنابرین این پیمان اهمیت فراوان دارد.

اکنون بموجب این عهدنامه میتوان بجناح راست دفاعی سر و صورتی داد.اما تجاوز از جانب شمال چه صورتی خواهد داشت؟برای حملهء احتمالی روسیه با سپاه و تجهیزات معمول و مرسوم‏ و با تانک و حتی بمبهای اتمی از راه ایران البته باید پیش‏بینیهائی کرد.از جمله اینکه شرکای معاهده‏ باید پایگاههای هوائی که از مشرق ترکیه تا سرچشمه‏های فرات و زاب امتداد یابد برقرار سازند و همچنین ایستگاههای رادار و انبارهای لوازم و احتیاجات سپاه را در نقاطی از جنوب شرقی ترکیه‏ گرفته تا نواحی شمالی عراق مهیا دارند.برای سپاه ترکیه و همچنین سپاهیان انگلیس یا یکی دیگر از کشورهای عضو انجمن دفاعی اتلنتیک که در موقع لزوم از راه هوا بعنوان کومک خواهند آمد مقرهائی باید تعیین گردد.اکنون در سایهء این پیمان همه این امور امکان‏پذیر گشته در صورتی که‏ قبل از عقد پیمان چنین اقداماتی ممکن نمیشد.این تنها راهی است که عراق میتواند مدتی،در برابر تجاوز،ایستادگی کند تا مدد باو برسد.در هفتهء گذشته بعضی از وکلای مخالف ادعای عراق را که حاضر بدفاع خویش است صورت استهزاء و تمسخر دادند و اشاره کردند که فقط سپاه اسرائیل‏ مرد این میدان است.این معاهده دست کم بیک کشور عرب فرصت میدهد که در برابر تجاوز از جانب شمال از خویشتن دفاع کند و ضمنا اوضاع و احوال را بصورتی در می‏آورد که عرقیها در یابند زحمات آنان بی‏ارزش نبوده است.اگر با تجهیزات و اسلحه‏های معمولی حمله‏ای صورت بگیرد راه دفاع همان است که بدان اشاره شد یعنی ایجاد پایگاههای متفرق و فرودگاه‏های لازم و پیوستن‏ و ارتباط دادن آن بوسائل دفاعی که در سوئز و قبرس و اسکندرون آماده شده است.

هیچ بعید نیست که نحوهء حملهء روسیه بخاورمیانه بکلی بحیله‏ای جدید باشد یعنی بهمان حیله‏ که در کره بکار برد هرچند در آنجا هم تقصیر را بگردن سپاه کرهء شمالی انداخت.از اصول فلسفهء اشتراکی روس یکی این است که برای نشر مرام و شیوهء سیاسی خویش از اوضاع آشفته و ناپسند اجتماعی و میل اقلیتها بجدائی و استقلال استفاده کند.جنگ خانگی و اضطرابات داخلی را دست‏ آویز مداخلهء در کشورها بسازد چنانکه قبل از انقلاب کمونیستی در ترکستان شرقی(سین کیانک) هم همین کار را کرد.

از این‏گونه دست‏آویزها برای حمله در سراسر سرحد ایران مخصوصا ناحیهء شمال غربی و عراق فراوان است.درین نقاط گروه‏های اقلیت سکنا دارند.روسیهء اشتراکی از زمان تشکیل انجمن‏ معروف باکو در سپتامبر 1920 ببعد کوشیده است که مانند دورهء تزارها اقلیتهای نزدیک سرحد را باستقلال خواهی و جدائی برانگیزد و بدین وسیله قدرت خویش را توسعه بخشد و مرام اشتراکی را در سراسر شرق رواج دهد.وقوع چنین حادثه‏ای در ترکیه البته محال است.جمهوری ترکیه‏ بسیار قوی،متحد و دشمن سرسخت روس است.در آغاز تأسیس جمهوری ترکیه روزگاری در نواحی مشرق ترکیه و در حدود مرتفعات حکاری و نواحی دریاچهء وان که اقوام«ناجور»کرد مسکن‏ و حکم«شتر در میان ما اجنبی است»دارند ضعف و فتوری دیده میشد.اما حکومت آنقره نسبت‏ باین کردها شیوه‏ای عاقلانه پیش گرفت و اجازه داد که کرد و ترک از حقوق مدنی یکسان استفاده کنند و بدین طریق بر دل خستهء این قوم ناراحت مرهم نهاد و آنان را رو بخود کرد.بموجب اخباری که‏ در دست است اکنون این طایفه کاملا در جمهوری دموکراتیک ترک مستحیل گشته است.

در ناحیهء سرحدی ایران از حد سلیمانیه تا سرچشمه‏های زاب که منطقهء کردنشین است عراق‏ گرفتار کار این طایفه است.در معاملهء با این طایفه عراق راهی پیش گرفته است که با راه و رسم‏ ترکها فرق دارد.عراق زبان کردی را برسمیت شناخته و اعتماد کردان را اندک‏اندک جلب کرده‏ و امیدش در این است که عاقبت آنان را سیاسة با خود هم‏آواز کند.با آشوریها هم رفتارش‏ بهمین منوال است.

باد خطر از جانب ایران وزان است.در دورهء مصدق قدرت حکومت مرکز رو بسستی نهاد1 و بنابراین اگر در ایران قتل یکی از بزرگان قوم صورت بگیرد2ممکن است اغتشاشاتی بوقوع‏ پیوندد و روسها استفاده کنند و گروهی را پنهان از قفقاز بایران بفرستند.در میان کرد و لر و قشقائی هنوز عناصر آشوبگر وجود دارند.آشفتگی و آرامش اوضاع بستگی فراوان دارد باینکه‏ شاه برنامهء اصلاحات اراضی را بملاکان بزرگ بقبولاند.این پادشاه جوان ترقی‏خواه و محبوب‏ (1)-بزعم نویسنده که وکیل مجلس عام انگلیس است.

(2)-ایرانی هرچه باشد آدم‏کش نیست!آرزو بر مستر پرایس عیب نیست.

عام میداند که کشاورزان خشنود و عشایر باوفا بهترین یاران دفاعند.

اگر ایران ضعیف‏ترین نقطه و ترکیه قویترین است حال عراق بین‏بین است،اما عراق هم‏ گرفتار موضوع مشکل زمین‏داری است.عوائد هنگفت نفت که برای امر آب‏یاری و سدکشی‏ و چاره‏اندیشی برای طغیان آب رودخانه‏های دجله و فرات بخزانهء دولت آمده،بجای آنکه در راه بهبود زندگی کشاورزان عرب و عشایر کرد مصرف شود ممکن است یکسره بجیب ملاکان‏ سرازیر گردد.آری،دولت عراق خالصهء وسیع دارد که میتوان آباد و بین مردم مستحق تقسیم‏ کرد.اما شیوخ هم زمینهای پر طول و عرض دارند و از آن پرطول و عریض‏تر زمینهائی است که هنوز نه‏ مسّاحی شده نه صاحبان آنها درست معلوم گشته است.بازار بغداد اشخاص ناراحت دارد که کمونیستها و همپالکیهای آنها بموقع خوب میتوانند از وجودشان استفاده کنند چنانکه در سال 1947 راجع‏ به پیمان پرتسماث که صالح جبر بسته بود خوش استفاده کردند و آنرا باطل ساختند.پس از آن‏ حکومت بنخست‏وزیری جمالی در دست جوانان ترقی خواه عرب و کرد افتاد.جمالی در راه حل‏ مشکلات اجتماعی بسیار کوشید اما مخالفان چندان موانع تراشیدند که ناچار از کار کنار رفت. نوری سعید نخست‏وزیر فعلی از همه سیاستمداران عرب تواناتر و پخته‏تر1است اما باید منتظر باشیم و به بینیم که اصلاحات اجتماعی را قابل اعتنا میداند یا نه‏2.

بنابراین اساس دفاع این قسمت خاورمیانه را باید بر پیمانی قرار دهند که اقدام و عمل را ممکن ساخته است.نخست وسایلی باید فراهم کنند تا اگر حمله با اسلحهء معمولی صورت بگیرد بتوان دفاع کرد دیگر اینکه باید از ورود آشوبگران ممانعت نمایند و از عهدهء جنگ یاوگیان‏3 برآیند.برای منکوب ساختن یاوگیان پایگاه‏های هوائی و رانندگان هواپیماهای عراق که دست- پروردهء انگلیسیها هستند می‏توانند بیاری سپاه بیایند و در اراضی ناهموار سرحد ایران با شورشیان‏ و یاوگیان بومی که در قفقاز تربیت یافته بجنگند.یکی ازین افراد آشوبگر ملا مصطفی اهل ناحیهء شمال عراق سالها در باکو بسر برده و چنانکه معلوم است بانتظار است که در موقع مناسب بیک‏ اشارت وارد میدان قتال گردد.

ایجاد دستگاه فعلی دفاع برای پیش‏گیری از چنین حملات است.نوع دیگر دفاع این است‏ که در ایران و عراق دست باصلاحات اجتماعی بزنند یعنی عوائدی را که از نفت میرسد در راه‏ بهبود زندگی زارع و عشایر خرج کنند.پیمان دفاعی و شرکت ما در آن سودمند و مهم است اما آسایش و رفاه مردم این دو کشور هم در برابر تجاوز احتمالی روس سدی سدید است و بهمان اندازه‏ اهمیت دارد.

(1)-و هم انگلیسی‏تر است.

(2)-از تو به یک اشارت از ما به سر دویدن!.

(3)- Guerrilla warfare